

کتاب ایوب

جلسه ۲۷: الهیات کتاب ایوب

نوشته جان والتون

این دکتر جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه ۲۷، الهیات کتاب ایوب است.

مقدمه [۰۰:۴۸-۰۰:۲۲]

اکنون آماده‌ایم تا الهیات کتاب ایوب را بررسی کنیم. ما در مورد هدف و پیام آن صحبت کرده‌ایم. ما در مورد چگونگی توصیف خدا در این کتاب صحبت کرده‌ایم و همه اینها عناصر مهمی هستند، اما بیایید سعی کنیم الهیات را کنار هم بگذاریم. یکی از راه‌هایی که می‌توانیم به این موضوع نزدیک شویم این است که سعی کنیم از دیدگاه‌های نادرست ایوب در مورد خدا درس بگیریم.

خدا حقیر نیست [۰۰:۴۸-۰۰:۰۹]

بنابراین، بیایید با این ایده شروع کنیم که خدا حقیر است. باز هم، این همان چیزی است که ایوب تمایل داشت در مورد حقیر بودن خدا فکر کند. ایوب نه تنها در مورد این احتمال که بیش از حد به پاداش‌های خدا توجه دارد، بلکه در مورد اینکه بیش از حد به قضاوت خدا توجه دارد، مشکوک است. ما این را در فصل هفتم، و در فصل ۱۴ می‌بینیم.

این ایده که ایوب خیلی خیلی عمیق ایده قضاوت خدا را حس می‌کند، و این امروزه نیز کاملاً رایج است. مردم گاهی اوقات خیلی به این فکر می‌کنند که خدا بیش از حد توجه دارد، چه در مورد پاداش باشد و چه در مورد قضاوت. برای کسی که رنج می‌کشد، غیرمعمول نیست که بگوید، او از من چه می‌خواهد؟ من هر کاری که او خواسته را انجام داده‌ام! و با این ایده که خدا به نوعی دقیق‌تر از آن چیزی خواهد بود که ما حتی می‌توانیم تصور کنیم. مردم شروع به این سوال می‌کنند که آیا خدا به یک نکته کوچک یا یک لغزش یک دهه پیش پاسخ می‌دهد و اینکه خدا هنوز هم آن را محکم نگه داشته و رها نمی‌کند. ما واقعاً باید مراقب این روش‌های تفکر در مورد خدا باشیم. ما نمی‌خواهیم بیش از حد توجه کنیم یا فکر کنیم که خدا بیش از حد به این چیزها توجه دارد.

در متی ۵:۴۸ داریم که خدا کامل است و او می‌خواهد ما نیز کامل باشیم، همانطور که خودش کامل است. اما این بدان معنا نیست که او بی‌رحمانه ما را به خاطر انحرافات جزئی بازخواست کند. اصلاً نکته اینجا این نیست. کتاب مقدس به ما اطمینان می‌دهد که او نقاط ضعف ما را می‌داند و می‌داند که ما ضعیف هستیم؛ برای مثال، در مزمو ربنابراین، باید نگرانی‌های ایوب در مورد حقیر بودن خدا را تشخیص دهیم و اینکه ما نیز می‌توانیم به همین ۱۰۳ شکل نگران باشیم. واقعاً، باید در مورد این نوع دیدگاه نسبت به خدا تجدید نظر کنیم.

خدا ظالم نیست [آل عمران: 8-09]

رویکرد دیگری که در ایوب می‌یابیم این است که ایوب در واقع خدا را ناعادلانه می‌داند. ادعاهای ایوب مبنی بر اینکه اعمال خدا را نمی‌توان انکار کرد، در قلب اظهارات اولیه او، ۱:۲۱، ۲:۱۰، قرار دارد. اما این واقعاً فقط یک موضع موقت برای ایوب است. او در نهایت سعی می‌کند خدا را به خاطر عدالت راه‌هایش پاسخگو کند. به یاد داشته باشید، او خواستار جلسه دادرسی در دادگاه است. او خدا را به سوءاستفاده از قدرت متهم می‌کند. یک گذار ظریف از اینکه اگر مسئله عدالت باشد چه کسی می‌تواند او را به چالش بکشد - یعنی ایوب ۹:۱۹ - به اینکه او هم بی‌گناهان و هم شریران را نابود می‌کند، وجود دارد. این فقط سه آیه بعد در ایوب ۹:۲۲ است. در ۱۹:۷، ایوب ادعا می‌کند که هیچ □□□□□ □□□□□ □□□□□. کلمه عبری برای عدالت است. و در او ادعا می‌کند که خدا □□ □□□□□ از او دریغ کرده است. ما همچنین می‌توانیم این را در ۲۷:۲، ۳۴:۵ ببینیم. بنابراین، این ایده این است که خدا در برابر آنچه که باید به طور منطقی از او انتظار داشت، ایستادگی نمی‌کند.

در فصل ۱۶، آیات ۹ تا ۱۴، او اتهامات خود علیه خدا را به عنوان یک مهاجم، یک مخالف، یک خائن و یک جنگجوی بی‌رحم ردیف می‌کند. سرزنش ایوب توسط خدا در فصل ۴۰:۸ روشن می‌کند که ایوب خدا را عادل ندانسته است.

باز هم، این اغلب مشخصه واکنش‌های مدرن ما است، زمانی که زندگی آنطور که فکر می‌کنیم باید پیش نرود وقتی چیزهایی را در سراسر جهان می‌بینیم که واقعاً ما را آزار می‌دهند، مشخصه ماست که شروع به فکر کردن کنیم که خدا به نوعی از استانداردهایی که باید رعایت کند، عقب مانده است. اما اگر در هر شرایطی که در زندگی با آن روبرو می‌شویم انتظار عدالت داشته باشیم، ناگزیر ناامید خواهیم شد. و در ناامیدی‌مان، این ناامیدی می‌تواند خدا را در مرکز توجه خود قرار دهد. مشکل این است که ما همچنین این فرض را پذیرفته‌ایم که اگر عدالت از جانب خدا جاری می‌شود و او قادر مطلق است، پس باید انتظار داشته باشیم که تجربه ما روز به روز منعکس کننده عدالت خدا باشد. ما به راحتی اینگونه فکر می‌کنیم. نقص این تفکر این است که فرض می‌کند کیهان با صفات خدا مهر خورده است. این دیدگاهی از کتاب‌های دور ریختنی است.

اشتباه این است که فکر کنیم نقشه خدا هر روز برای اطمینان از اجرای عدالت است. ما اشتباه می‌کنیم که فکر می‌کنیم این نقشه خداست. این دقیقاً کاری نیست که او انجام می‌دهد. وقتی عدالت در زندگی ما اجرا نمی‌شود، به راحتی می‌توان نتیجه گرفت که خدا تصمیم می‌گیرد اما عدالت محرک آن تصمیمات نیست. اگر او بدون هدایت عدالت، قدرت را اعمال کند، آنگاه مانند موجود آشوبگری می‌شود که ایوب او را به تصویر می‌کشد.

به این ترتیب، او نظم نمی‌آورد. او منبع نظم نیست. در عوض، او نمایانگر بی‌نظمی است. در این جهانی که هر سه ویژگی نظم، بی‌نظمی و بی‌نظمی را دارد، عدالت نمی‌تواند حکومت کند. بنابراین، به یاد داشته باشید جایگزینی که ما پیشنهاد کرده‌ایم این است که طراحی خدا بازتابی از حکمت اوست. او منبع و مرکز نظم است، اما نه بی‌نظمی و نه بی‌نظمی خارج از کنترل او نیستند. خدا را نمی‌توان بر اساس یک استاندارد بیرونی ارزیابی کرد، زیرا این امر او را وابسته به آن استاندارد می‌کند. جایگاه ما این نیست که خدا را پاسخگو نگه داریم. این نیست که او را به پاسخگویی فرا بخوانیم زیرا انجام این کار در نهایت خدا را کمتر از خدا تفسیر می‌کند.

خدا را نمی‌توان دستکاری کرد [۸:۰۲-۱۱:۰۰]

ایوب همچنین نشان می‌دهد که معتقد است می‌توان خدا را دستکاری کرد. ایوب خدا را به اندازه کافی به حاشیه رانده شده می‌داند که می‌توان او را دستکاری کرد. ایوب سعی کرده بود با خدا وارد مذاکره شود، او را به دادگاه بکشاند، و شکست خورده بود. بنابراین، از او استفاده می‌کند. این همان سوگند بی‌گناهی در فصل ۳۱ است. ایوب در آن مرحله دیگر باور ندارد که عدالت را از جانب خدا خواهد یافت. او اکنون با بازیابی تعادل در جامعه به دنبال نوعی انسجام است. این همان کاری است که سوگند بی‌گناهی او سعی در انجام آن دارد. او تمام جرایمی را که مرتکب نشده است، برمی‌شمرد و اساساً از خدا دعوت می‌کند که اگر واقعاً به هر یک از آن جرایم گناهکار است و سکوت خدا همچنان پابرجاست، او را بکشد. سکوت خدا علیه ایوب عمل کرده بود و ایوب سعی می‌کند از این به نفع خود استفاده کند. او قصد دارد با وادار کردن آنها به اقدام، دست خدا را به زور باز کند یا اینکه در سکوت خدا، ایوب به حقانیت خود دست یابد.

در سکوت خدا، او به طور ضمنی و منفعلانه ایوب را تبرئه می‌کرد. اگر ثابت شود که نابودی اولیه ایوب توسط خدا غیرقابل توجیه است، بنابراین خدا در سیاست‌هایش ناسازگار به نظر می‌رسد. اگر اصل انتقام سیاست‌های او را تعریف کند، آبروی ایوب حفظ می‌شود در حالی که آبروی خدا از بین می‌رود. در ایوب ۱، آیات ۴ تا ۵، ما زیاد در مورد آن صحبت کرده‌ایم؛ رفتار ایوب نشان می‌دهد که او معتقد است می‌توان خدا را مدیریت کرد. او به این باور رسیده است که می‌توان در رویکردهای آیینی از خدا پیشی گرفت. خطر این است که ممکن است به این باور برسیم که خدا ممکن است در انتظارات خود بیش از حد توجه کند. ایوب از خود می‌پرسد که آیا خدا بی‌تفاوت، خشن، مشغول یا شاید حتی بی‌کفایت است. امروزه برای ما بسیار آسان است که باور کنیم خدا را می‌توان دستکاری کرد، چه از طریق بخشش ما، حضور در کلیسا، عبادت ما یا اجرای سختگیرانه ما از قوانین مسیحی، که به نوعی می‌توانیم خدا را دستکاری کنیم تا کاری را که می‌خواهیم انجام دهد. این یک طرز فکر منفعت‌محور است و ما نمی‌توانیم. ما نباید آن را در خودمان تحمل کنیم.

نتیجه‌گیری [۱۱:۵۶-۱۱:۰۰]

بنابراین، بسیاری از الهیاتی که از کتاب ایوب دریافت می‌کنیم، زمانی حاصل می‌شود که ما اشتباهات ایوب در تفکر درباره خدا را تشخیص می‌دهیم، همان تمایلات را در خودمان نیز تشخیص می‌دهیم، و سپس یک الهیات خوب که از کتاب بیرون می‌آید می‌تواند به ما کمک کند تا آن تصورات غلط درباره خدا را اصلاح کنیم و مطمئن شویم که آنها شیوه تفکر خودمان را مشخص نمی‌کنند.

البته الهیات این کتاب فراتر از تصویر خدا، به تصویر رنج می‌پردازد. و ما در بخش بعدی توجه خود را به الهیات رنج در کتاب ایوب معطوف خواهیم کرد.

این دکتر جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه ۲۷، الهیات کتاب ایوب است. [۱۱:۵۶]